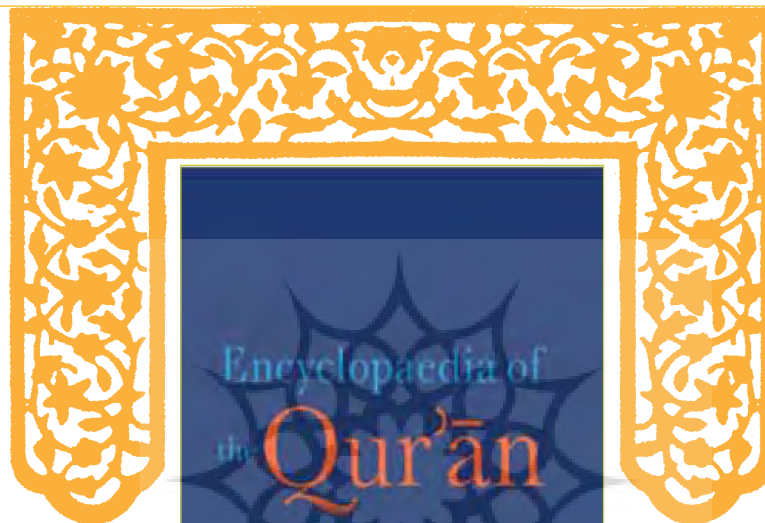


گزارشی از نشست های نمایشگاه بین المللی قرآن کریم

مدخل «علم و قرآن» در دایرة المعارف قرآن لایدن



اشاره

«دایرة المعارف قرآن لایدن»

جدیدترین اثر پژوهشی است

که برای نزدیک سازی هر چه بیشتر مطالعات قرآنی مسلمانان و محققان غربی تدوین شده است. متولی انجام این پژوهش، دانشگاه لایدن، یکی از مهم ترین مراکز اسلام شناسی در اروپاست. سرپرست این دایرة المعارف، خانم جین دمن اولیف آمریکایی الاصل است و مدیریت او به صورت پروازی بوده است. اکثر نویسندگان مقالات این دایرة المعارف مسیحی، غیرمسلمان و حتی یهودی اند. این دایرة المعارف نزدیک به ۷۵۰ مدخل دارد که یکی از آن ها مدخل «علم و قرآن» است و به وسیله شخصی به نام احمد دلال به نگارش در آمده است. دکتر محمد جواد اسکندرلو آن را از انگلیسی به فارسی ترجمه و دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی آن را بررسی و نقد کرده است. مدخل علم و قرآن با نقد آن، در دوره دکترای مجتمع آموزشی امام خمینی (رحمه الله) جامعه المصطفی تدریس می شود.

مقدمه

در یکی از سلسله نشست های علمی بخش پژوهش نمایشگاه بین المللی

قرآن کریم، با حضور کارشناسان قرآن پژوه، «دایرة المعارف قرآن لایدن» نقد و بررسی شده است.

یکی از مدخل های این دایرة المعارف، مقاله «علم و قرآن» است. این مقاله از مهم ترین و حساس ترین مقالات دایرة المعارف مذکور است که به علت نبود دست رسی نویسنده به منابع شیعی و محدودیت منابع تحقیقی آنان، و نیز به دلایل دیگری که در این مقاله به آن ها پرداخته خواهد شد، اشکالات و شبهات فراوانی دارد؛ بنابراین یکی از ضروری ترین بایسته های پژوهش در مطالعات قرآنی در جهان امروز، بازبینی این مقاله است که در این نشست نقد و بررسی شد. به خاطر اهمیت این موضوع، به قسمت هایی از این نشست در حد ظرفیت این مقاله، اشاره می شود. امیدواریم برای علاقه مندان به قرآن کریم مثمر ثمر واقع شود.

کلیدواژه ها: دایرة المعارف قرآن، دایرة المعارف قرآن لایدن.

اگرچه احمد دلال برای مقاله خود هیچ سرفصل و عنوانی افزون بر عنوان اصلی ارائه نداده است، ولی می‌توان همین مطالبی را که او در ذیل مدخل آورده، بررسی و تحلیل کرد و عنوان‌های فرعی دهگانه‌ای را به شرح زیر برای آن در نظر گرفت:

اول: مردم‌شناسی هند

نویسنده، در ابتدای مقاله، به کتاب «تاریخ مردم هند» که نوشته ابوریحان بیرونی است، اشاره می‌کند و می‌گوید: ابوریحان فصلی را در این کتاب درباره هیئت و نجوم آسمان‌ها و زمین براساس نظرات منجمان هندی اختصاص داده است و در آن، میان مسائل ضروری فرهنگی مسلمانان با عموم هندوستانی‌ها مقایسه‌ای تفصیلی می‌کند.

دوم: تفسیر علمی قرآن

بعد از پرداختن به تاریخ مردم هند، به بیان یک گزارش می‌پردازد و می‌گوید: اخیراً شبکه‌ای تحقیقاتی، فهرستی از دومیلیون تحقیق درباره اسلام و علم ارائه داده است که بیشتر آن‌ها بیانگر این مطلب است که پیش‌گویی قرآن درباره بسیاری از فرضیه‌ها و حقایق علمی جدید، بر ماهیت معجزه‌های قرآن دلالت دارد. البته این نظر را از قول همان شبکه تحقیقاتی گزارش می‌کند و نظر خودش نبوده است.

سوم: دیدگاه زغلول و نجار درباره معجزات قرآنی و کارکرد امروزی آن

وی درباره اعجاز علمی قرآن کریم می‌گوید: امروزه معجزات علمی قرآن به منزله اسلحه‌ای است که مسلمانان می‌توانند با در دست گرفتن آن، از کیان قرآن و اعجاز آن دفاع کنند. نجار معتقد است، در این عصر، علم یگانه زبان قانع‌کننده اعجاز علمی قرآن کریم است.

چهارم: نقد تفاسیر علمی قدیم

نویسنده مقاله سپس به نقد و بررسی تفاسیر علمی دوران قدیم می‌پردازد و می‌گوید: «مطالب علمی در تفاسیر قدیم به حدی نیست که بتوانیم از آن‌ها به عنوان تفسیر علمی قرآن نام ببریم.

پنجم: نظرات تفسیر علمی فخر رازی

نویسنده یک‌سوم مقاله را به بررسی نظرات تفسیر علمی فخر رازی اختصاص داده است.

ششم: بررسی نظریات طرح شده درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین

نویسنده در این قسمت، نظرات فخر رازی را نقد می‌کند. او را به اغراق‌گویی درباره اعجاز علمی قرآن متهم می‌کند و در یک

اظهار نظر به صراحت می‌گوید: آیاتی که از آن‌ها به‌عنوان آیات تکوینی یا آیات علمی قرآن استفاده می‌شود، مباحث نیمه‌علمی است، نه کاملاً علمی، آن‌گونه که مفسرانی مانند فخر رازی ادعا می‌کنند و براساس آن استنباط کرده‌اند.

هفتم: نظرات نیشابوری درباره ستاره‌شناسی و فلسفه طبیعی

آقای احمد دلال می‌گوید: از نظر نیشابوری، قرآن در برابر توضیحات علمی مفسران، خنثی و بی‌طرف است. یعنی هم می‌تواند دیدگاه طرف‌داران تفسیر علمی را در خود جای دهد و هم عکس نظر آنان را. این‌گونه نیست که قرآن به‌طور صریح چیزی درباره علوم گفته باشد. او این نظر را به نیشابوری نسبت می‌دهد.

هشتم: نظر قرطبی درباره معنی بروج در سوره حجر

در این بخش، مقاله قرطبی را مطرح کرده و آورده است که: بعید نیست منظور خداوند از واژه بروج که در آیات شانزدهم و هفدهم سوره حجر آمده است، همان علم نجوم باشد.

نهم: نظرات افغانی و خان درباره هماهنگی علم و قرآن

وی درباره هماهنگی علم و قرآن از نظر افغانی و خان می‌گوید: این دو، نظرات خوبی درباره هماهنگی علم و قرآن ارائه کرده‌اند، اگرچه اثرات سیاسی آن متفاوت بوده است.

دهم: نظرات علمی جواهری و عزالدین راوندی

در پایان مقاله، نظرات و توضیحات علمی طنطاوی جواهری و عزالدین راوندی را مطرح می‌کند و این مدخل را به پایان می‌رساند.

دایرة المعارف لایدن

دایرة المعارف قرآن لایدن، پنج جلد است. مجموع مداخل آن به هفتصد و پنجاه مدخل می‌رسد. البته قرار بر این بود که تعداد مدخل‌ها به هزار مدخل برسد، ولی در عمل هفتصد و پنجاه مدخل فراهم شده است. سرپرستی این دایرة المعارف برعهده خانم جین دمن مک اولیف است. ایشان آمریکایی‌الاصول است و مدیریت او در هلند به صورت پروازی است. هلند کشوری علمی است. شاید بتوان آن را کشور دایرة المعارف‌نویسی نامید. دایرة المعارف اسلام و دایرة المعارف قرآن در این کشور نوشته شده است. اخیراً گزارشی منتشر شده مبنی بر این که هم‌اکنون دایرة المعارف حدیث نیز در این کشور در حال نگارش است. آقای محمد آرکون در مقاله خود در دایرة المعارف قرآن که آن را «قرآن و چالش‌های جدید» نامیده است، وعده می‌دهد که پس از این دایرة المعارف، قصد دارد دایرة المعارف انتقادی قرآن

را به نگارش درآورد.

دایرةالمعارف قرآن-با همه اشکالاتی که دارد-به نظر ارکون مقدمه‌ای است برای دایرةالمعارف انتقادی قرآن. او در مقدمه یادآور می‌شود، هدف از خلق چنین اثری آن است که بهترین موفقیت قرن را در زمینه پژوهش‌های قرآنی به دست آورد تا مرجع معتبری در این باره باشد. از این‌روست که به نظر می‌رسد، طرح «دایرةالمعارف قرآن لایدن» در چارچوب برنامه‌ای بسیار گسترده است که آن‌چه در این اثر شکل گرفته، تنها گام اول آن است. لازم است مسلمانان به‌طور جدی به این موضوع بپردازند و به دقت آن را زیر نظر داشته باشند.

امید است این بررسی و نقدهای عالمان سبب کاهش اشکالات موجود در تدوین این دایرةالمعارف و حرکت‌های مشابه شود و اشکالاتی که به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت، از آن رفع شود. از جمله این که به منابع اصیل مراجعه و حقایق را بیان کنند. ما نیز اصرار داریم که همه‌ساله در نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در تهران و مراکز دیگر، این دایرةالمعارف به‌طور مکرر بررسی و نقد شود تا آن‌جا که واکنش علمی درباره آن جنبه بین‌المللی پیدا کند؛ به گونه‌ای که نویسندگان را به اشتباهات خود واقف سازد.

نقاط قوت و ضعف مدخل علم و قرآن

● نقاط قوت

۱. نگاه نقادانه به رابطه قرآن و علم

این نگاه سبب تضارب آرا می‌شود و کاوش بیشتری را در این زمینه موجب می‌گردد.

۲. برخورداری از نگاهی تاریخی و تحلیلی

هرچند این نگاه تحلیلی و تاریخی، نواقصی دارد، ولی به‌طور کلی این گونه بررسی درباره علم و قرآن، رویکردی جدید است.

● نقاط ضعف

۱. عدم رعایت نکردن شیوه دایرةالمعارف‌نویسی

اولین نقطه‌ضعف قابل توجه در این مقاله، وجود اشکالات شکلی و فنی است. مسائل فنی و نگارشی در این مقاله مشکل‌ساز است.

ساختار مقالات دایرةالمعارفی

ارائه نمای کلی، مفهوم‌شناسی و اشاره به پیشینه، مراحل است که هر مقاله به آن‌ها می‌پردازد، اما مقاله حاضر فاقد این فرایندها است. یکی از مفاهیم اساسی در این مقاله، مفهوم «علم» است. بنابراین لازم است در قسمت مفاهیم، به وضوح روشن شود که مقصود ما از علم چیست؟

یکی دیگر از مفاهیم به کار رفته در این مدخل، مفهوم مرکب «تفسیر علمی» است. نویسندگان همان ابتدا به بحث ابوریحان بیرونی وارد شده است. همه می‌دانیم که قبل از این

قرآن در حوزه سیاست

و در بحث اقتصاد نظریه علمی دارد و

چیزی به نام علم کفرآمیز وجود خارجی ندارد

تاریخ نیز مباحث تفسیر علمی مطرح بوده است. گزارش او در این باره، فاقد تاریخچه‌ای منسجم است. بدیهی است نمی‌توان چنین شیوه‌ای را در نگارش مقاله دایرةالمعارف صحیح دانست. بنابراین، ضعف در شیوه و ساختار نگارش، اولین اشکالی است که می‌توان درباره این مقاله وارد دانست.

۲. توجه نکردن به علوم جدید مانند علوم انسانی

دومین اشکالی که در این مقاله به چشم می‌خورد، آن است که مفهوم علم و نیز تقسیمات آن ارائه نشده است. توجه به مباحث علوم انسانی در قرآن کریم به گونه‌ای است که انتظار می‌رود پرداختن به آن بتواند دنیا را متحول سازد. بنابراین، نمی‌توان آموزه‌ها و گزاره‌های قرآن درباره علوم انسانی را نادیده انگاشت و تنها به مباحث علوم طبیعی در قرآن پرداخت. این بی‌توجهی یا توجه یکسویه و ناقص، نقص و کاستی در تحقیق درباره قرآن کریم را موجب می‌شود. وی علم اسلامی را مقابل علم یونانی قرار می‌دهد و برای علم یونانی تعبیر کفرآمیز را به کار برده است، و روشن نکرده که علم اسلامی، چگونه می‌تواند از علم کفرآمیز یونان متفاوت باشد؛ در حالی که چیزی به نام علم کفرآمیز وجود خارجی ندارد. تنها چیزی که می‌توان در این ارتباط مطرح ساخت آن است که مبانی علم گاهی براساس قرآن و جهت‌دهی‌های آن است و گاهی با اسلام ناسازگار است.

۲. تحمیل پیش‌فرض بر تحقیق موجود در مقاله

سومین اشکال درباره این مقاله، پیش‌انگاره یا پیش‌فرض نویسنده در جدایی علم و قرآن بوده است. او کوشیده است در جای‌جای مقاله، این پیش‌فرض ذهنی خود را به خواننده القا کند که قرآن به علم ربطی ندارد؛ هم‌چنان که علم نیز به قرآن ربطی ندارد.

او هم‌چنین در صفحه پنجاه و یک که آخر مقاله است، به‌عنوان نتیجه‌گیری نهایی، باز هم روی این پیش‌انگاره تأکید می‌کند و می‌گوید: «مفسران قدیم قرآن در مقام اصرار بر امکان و محتمل بودن توجیهات متفاوت علمی درباره پدیده‌های طبیعی، می‌توانستند استقلال معرفت دینی-قرآنی را نه از طریق گزیده‌هایی از علم، بلکه از راه تطبیق آن با حوزه جدا و مستقل خود حفظ کنند.» منظور نویسنده آن است که قدیمی‌ها این

سخن از جدایی «علم و قرآن» به‌ویژه در حوزه علوم انسانی، بی‌معناست، زیرا نمی‌توان آموزه‌ها و گزاره‌های قرآن در باره علوم انسانی را نادیده انگاشت

کار را می‌کردند و شما نیز باید همین کار را بکنید. گویا این یک افتخار است که قرآن هیچ ارتباطی با علم نداشته باشد تا از این طریق استقلال خودش را حفظ کند. از اصراری که آقای احمد دلال بر موضوع جدایی «علم و قرآن» دارد، می‌توان به این نتیجه رسید که غرب از این مطلب وحشت دارد. از این‌روست که این نویسنده تمام تلاش خود را در چنین مقاله‌ای به کار می‌برد تا در ذهن مخاطبان خود این جهت‌دهی را ایجاد کند که «علم و قرآن» با یکدیگر هیچ ارتباطی ندارند. قرآنی که اشارات و آیات علمی آن حدود یک پنجم آن را شامل می‌شود، آیا می‌تواند به‌عزم کسی مانند احمد دلال، ربطی به علم نداشته باشد؟ و مانند او بی‌معتقد باشد که علم راهی می‌رود و قرآن راه دیگری؟!

۴. بررسی نکردن دیدگاه کلی قرآن درباره علوم

اشکال چهارم در این مقاله آن است که ایشان اساساً دیدگاه کلی قرآن درباره علوم را بررسی نکرده است. به دیگر سخن، اگر بخواهیم برای این مقاله نامی انتخاب کنیم، بهتر است آن را به جای «علم و قرآن»، مقاله «قرآن و دانشمندان» بنامیم. زیرا اگر داخل آن را مطالعه کنید، هر چه می‌بینید، سخن از نظر دانشمندان درباره قرآن است و نه رابطه «علم و قرآن»، که آن هم بسیار مختصر و ناقص است. افزون بر این، وی به‌طور کلی نزدیک به هفت قرن را نیز نادیده انگاشته است.

۵. ادعای تأکید مسلمانان بر اعجاز علمی قرآن در برابر غرب

نویسنده معتقد است، مسلمانان بر اعجاز علمی قرآن تأکید دارند که مطلب درستی است. البته او به گونه‌ای این موضوع را مطرح می‌کند که گویی مسلمانان جز ادعای اعجاز علمی قرآن، چیزی در برابر غربیان ندارند. این درست است که ما مسلمانان به اعجاز علمی قرآن معتقد هستیم، اما این اعتقاد محدود به این نیست که اعجاز قرآن به اعجاز علمی آن منحصر است. قرآن کریم بسیاری از حقایق را بیان کرده است. بیان این حقایق به گونه‌ای است که می‌توان آن‌ها را به عنوان نظریه‌های جدید علمی در نظر گرفت و براساس آن‌ها به مطالعه و کشف حقایق جدید پرداخت. (یادآوری این نکته لازم است که واژه و مفهوم نظریه، به صورت تسامحی به کار برده می‌شود، زیرا حقایق قرآنی فراتر از نظریه‌های علمی هستند).

قرآن در حوزه سیاست نیز نظریه دارد: «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و اولی الامر منکم». ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از این پیامبر و کسانی از خودتان که متولیان امر شما هستند، فرمان برید». در این آیه، مشروعیت از بالا به پایین مطرح شده است: الله، پیامبر و اولی الامر.

قرآن در بحث اقتصاد هم نظریه علمی دارد و اقتصاد بدون ربا را مطرح کرده است. در مبحث گزینش در مدیریت شرایط احراز را مطرح فرموده است. تأثیر اخلاق و عدالت در مدیریت نیز در قرآن مورد توجه قرار گرفته است. به هر حال، اگر نویسنده به این‌گونه مباحث می‌پرداخت، نتایج مهم و مفیدی درباره مبحث «علم و قرآن» در زمان معاصر به دست می‌آورد، در حالی که اصلاً به این فضاها وارد نشده است.

۱. مقایسه بی‌مورد آموزه‌های قرآن با خرافات هندوی و مانوی

نویسنده کوشیده است مطالب قرآن و خرافات طرح‌شده در کتاب‌های هندویی و مانوی را مقایسه کند. در ادامه می‌گوید: مطمئناً اسلام از کسانی که ادعای مسلمانی کردند، اما بسیاری از آموزه‌های ادیان پیشین را حفظ کرده و مدعی شده‌اند که این آموزه‌ها بخشی از نظریات اسلام به‌شمار می‌رود، لطمه خورده است. برای نمونه، می‌توان مانوی‌ها را مثال زد که دیدگاه و نظرات مذهبی خود درباره آسمان‌ها را به غلط به اسلام نسبت دادند.

او این مطالب را به ابوریحان بیرونی نسبت می‌دهد و اظهار می‌دارد، طبق نظریه بیرونی، انتساب این نظرات علمی به قرآن، برگرفته از منابع غیر اسلامی است. نویسنده می‌کوشد با بیان این مطالب وانمود کند که پیروان قرآن در نهایت به نوعی همان رویکرد هندوها و مانوی‌ها را در پیش گرفته‌اند. به این ترتیب، به روشنی دیده می‌شود که نگارنده تا چه اندازه سعی کرده زیرکانه این مطلب را به خواننده القا و سرنوشت تفسیر علمی را با خرافات هندوها و مانوی‌ها گره بزند.

۷. استفاده از منابع اهل سنت

آخرین نکته این که مؤلف بیش از هر چیز، منابع اهل سنت را مورد استفاده و استناد قرار داده است. هیچ منبع تفسیری شیعی را نیاورده، مگر در یک‌جا. او تنها در یک‌جا از یک شیعه به نام سید حسین نصر سخن گفته است. در مقابل، از منابع اهل سنت بسیار نقل کرده است؛ به گونه‌ای که گاهی او را در چنبره دیدگاه‌های اشاعره و معتزله به‌ویژه موضوع جبر و اختیار گرفتار می‌بینیم. چرا که از دیدگاه شیعه، بی‌خبر و ناآگاه است و به‌منابع وسیع شیعی مراجعه نکرده است.

نقاط ضعف مقاله از منظری دیگر

۱. رعایت نکردن شیوه متداول در نگارش مقالات دایرةالمعارف: نگارنده مقاله «علم و قرآن»، روش متداول در مقالات دایرةالمعارف نویسی را مراعات نکرده است. بدین معنی که ایشان بدون مقدمه و رعایت ساختار لازم برای مقاله، از همان

ابتداء دیدگاه ابوریحان بیرونی را بیان کرده که آن هم جزو قدما نبوده است.

۲. تنقیح نشدن موضوع بحث: نگارنده، موضوع مورد نظر خود را در مقاله به درستی تنقیح نکرده و تحدید موضوع انجام نشده است. لازم است به درستی روشن سازد که چه شاخه‌ای از علوم را در ارتباط با قرآن، مورد نظر قرار داده است. علم اقسام بسیاری دارد، اما نویسنده هیچ شاخه‌ای از آن را برای بحث خود در این مقاله مشخص نکرده است. باید مشخص سازد که آیا می‌خواهد همه شاخه‌های علوم در قرآن را بررسی کند یا تنها یکی از اقسام چهارگانه^۱ را.

۳. دارا بودن ملاحظات محتوایی: افزون بر اشکالات ساختاری، نویسنده از همان ابتدا نقل قول‌هایی را از دانشمندان گوناگون درباره تفسیر علمی قرآن مطرح کرده است. چنین این نقل قول‌ها به گونه‌ای است که به وضوح نشان می‌دهد وی در صدد القای این مطلب به مخاطب است که میان «علم و قرآن» گسست و دوگانگی وجود دارد. او بندها و قسمت‌های خاصی از دیدگاه‌های ابوریحان بیرونی، فخر رازی و دیگران را به صورت گزینشی به گونه‌ای آورده است که مخاطب به خودی خود به این ذهنیت برسد که واقعاً نمی‌توان با استفاده از قرآن، به نظریات علمی دست یافت.

برای مثال، در همان اوایل مقاله، از قول ابوریحان بیرونی می‌نویسد: «قرآن برخلاف کتاب‌های آسمانی پیش از خود، درباره موضوع ستاره‌شناسی و یا درباره هر نوع دانش دیگر هیچ‌گونه اظهار نظر صریح و قطعی نکرده است». پیداست که چنین ادعایی مخدوش و محل تأمل است، زیرا در موارد بسیاری شاهدیم که آیات قرآن پرده از اسرار عالم طبیعت برداشته است. چنان که مرحوم آیت‌الله معرفت در بخش اعجاز قرآن کتاب التمهید، به ویژه در بخش اعجاز علمی قرآن، نزدیک به ۱۰ آیه از آیات کلام‌الهی را متذکر شده است که خداوند در آن‌ها مسائل طبیعی و تکوینی را بیان فرموده است. و نیز آیه: «و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذكرون: و از هر چیز زنده‌ای دو زوج (نر و ماده) آفریدیم، باشد که شما متذکر شوید»، به صراحت بر نظریه علمی زوجیت اشیا دلالت دارد.

هم‌چنین، آیاتی که از حرکات زمین و کوه‌ها سخن می‌گوید (برای آگاهی از نمونه‌های متعدد این آیات، به التمهید و کتاب‌های دیگر مراجعه کنید). اصولاً از نظر روش بیان مطالب علمی نیز چنین شیوه‌ای صحیح نیست که ما پیش فرض خود را به مخاطب القا کنیم. باید توجه داشت که قرآن کریم یک کتاب کاملاً علمی است، ولی کتاب علم نیست که عهده‌دار بیان جزئیات علوم نیز باشد. اساساً در شأن قرآن نیست که این گونه به مسائل علمی بپردازد.

۴. اراة برداشت‌هایی برخلاف قرآن: ایشان هم‌چنین در جایی که سعی می‌کند برداشت خود را از همه تفاسیر بیان کند، به صراحت می‌گوید: «همان گونه که از این تفاسیر فهمیده می‌شود، آن تأمل و اندیشه‌ای که قرآن به آن دعوت می‌کند، ذاتاً در بیرون از متن قرآن قرار می‌گیرد نه آن که به خود متن قرآن برگردد».

۱. جدایی علم و قرآن به معنی تفاوت و جدایی روش پژوهش در قرآن با روش پژوهش در علوم تجربی: در پژوهش علوم تجربی، از روش‌های کمی استفاده می‌شود. در حالی که در پژوهش‌های قرآنی از روش‌های استظهاری، تفسیری و مانند آن استفاده می‌شود.

۲. جدایی علم و قرآن به معنی جدایی فی‌الجمله در برخی حوزه‌ها و قلمروها: بحث درباره خدای متعال در قلمرو حوزه مباحث قرآنی است و به هیچ‌وجه در قلمرو علوم تجربی قرار ندارد. به‌عکس، برخی حیثیت‌های طبیعت مانند شناخت ترکیبات معدنی، به هیچ‌وجه در قلمرو مباحث قرآنی نیست، در حالی که در قلمرو مطالعات علوم تجربی است.

۳. جدایی علم و قرآن به معنی جدانگاری اهداف مفسران با اهداف عالمان علوم تجربی: پرواضح است که اهداف تحقیقاتی مفسران قرآن با اهداف دانشمندان علوم تجربی متفاوت است. مفسران قرآن از آموزه‌های قرآن هدایت را دنبال می‌کنند، اما دانشمندان علوم تجربی در پی شناخت طبیعت هستند.

۴. جدایی علم و قرآن به معنی جدانگاری در موضوعات مشترک: صورت دیگر جدانگاری «علم و قرآن» در جایی است که یک موضوع میان علم و قرآن مشترک باشد. مثل انسان که هم موضوع علم است و هم موضوع قرآن. جدایی علم و قرآن

اگر بخواهیم برای این مقاله نامی انتخاب کنیم، بهتر است آن را به جای «علم و قرآن»، مقاله «قرآن و دانشمندان» بنامیم

به معنی اول، دوم و سوم واقعیتی است که کم و بیش در میان همه علوم وجود دارد. بدیهی است که شیوه پژوهش در علوم اجتماعی با شیوه پژوهش در فیزیک یکی نیست. اهداف هر علم با دیگری تفاوت‌هایی دارد؛ حتی علمی که به یکدیگر نزدیک هستند نیز از نظر هدف با هم تفاوت دارند. تحقیقات و مطالعات قرآنی نیز به همین صورت است. بنابراین، سخن از جدایی «علم و قرآن» به‌ویژه در حوزه علم انسانی، بسیار بی‌معناست، چرا که هیچ‌یک از مواردی که درباره جدایی قرآن و علم ذکر شده، در آن مصداق پیدا نمی‌کنند.

نکته دوم: تغییر و ابطال‌پذیری برداشت‌های علمی و ثبات گزاره‌های قرآنی اشکال دیگر این که عده‌ای معتقدند، اگر در برداشت از قرآن، از علوم تجربی و بشری استفاده شود، از آن‌جا که معمولاً نتایج علمی متغیر و ابطال‌پذیرند، استفاده از آن‌ها، گزاره‌های قرآنی را که ثابت و ابدی هستند، در معرض تغییر و ابطال قرار می‌دهد. برای مثال، فلان دانشمند علوم تجربی که در برداشت از قرآن به نتایج علمی تکیه کرده و براساس یافته‌های بشری نظر داده است، بیش از آن که به حقایق قرآنی دست یافته باشد، نظرات خود را بر قرآن تحمیل کرده است. در این‌جا لازم است برای حل مشکل رابطه «علم و قرآن» سه مطلب را از یکدیگر جدا کنیم. بدیهی است تفسیر علمی به سه شکل انجام می‌شود:

۱. استخراج علوم از قرآن: برخی مدعی شده‌اند که نزدیک به سیصد هزار علم را از قرآن استخراج می‌کنند. از نظر ما، این دیدگاه همراه با مبانی و شیوه‌های آن غلط است. پیش از این اشاره شد که اگرچه قرآن می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» و این کتاب را بر توت نازل کردیم که بیانی برای همه چیز و هدایت و رحمت و مژده‌ای است برای اهل تسلیم و طاعت. «اطلاق «کل شیء» در این آیه، قید لبی دارد؛ و معنی چنین است: «کل شیء یرتبط إلی الهدایة؛ یعنی هر چیزی که به هدایت انسان ارتباط پیدا کند». در نتیجه، این سخن که همه چیز حتی جزئیات علوم گوناگون در قرآن وجود دارد، مبانی نادرستی است. شیوه تطبیق یا تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن: این دیدگاه از اوایل قرن بیستم به وسیله سید احمدخان هندی

در هند و طنطوای جوهری در مصر آغاز شد و تا اندازه‌ای اوج گرفت. این دیدگاه در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی دامن برخی از محققان قرآنی کشور ما را نیز گرفت و کسانی بودند که تا حدودی تحت تأثیر آن قرار داشتند. این دیدگاه نیز در کلیت خود نادرست است و در مواردی به تفسیر به رأی منجر می‌شود.

۲. استخدام علوم در فهم: در کنار دو دیدگاه فوق، دیدگاه دیگری وجود دارد که صاحبان آن معتقدند می‌توان از علوم تجربی اطمینان‌آور یا قطعی در فهم آیات قرآن استفاده کرد. حتی می‌توان علوم تجربی اطمینان‌آور را به صورت یک احتمال به قرآن نسبت داد. استفاده از این شیوه برای فهم بسیاری از آیات قرآن، نه تنها مفید، بلکه لازم و ضروری است. زیرا فهم بسیاری از آیات قرآن بر فهم نتایج قطعی و مطمئن علمی متوقف است.

به نظر می‌رسد، با بهره‌گیری از این شیوه می‌توان به نظریه‌پردازی‌های علمی جدیدی نیز دست یافت؛ به گونه‌ای که تحقیقات قرآنی با این شیوه، می‌تواند به موضوع‌سازی دیگر شیوه‌های علمی نیز کمک کند. به این ترتیب، این دیدگاه در تحقیقات، موجب جهت‌دهی در علوم می‌شود و نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی را متحول و دگرگون می‌کند.

نویسنده در جایی از مقاله تفسیری درباره آیه: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» ارائه کرده است. به نظر وی، از آن‌جا که آیات قبل از این آیه به قیامت مربوط است، پس این آیه هم درباره قیامت سخن می‌گوید و ربطی به این دنیا ندارد و کتاب مذکور در آیه نیز، کتاب روز قیامت، یعنی همان نامه اعمال است. در حالی که وقتی به آیه می‌نگریم، آن را فعل ماضی می‌بینیم که دلالت بر این دارد که در این آیه از حال و گذشته سخن گفته شده، اما در آیات قبل، سخن از حال و آینده است. بنابراین، این آیه در سیاق آیات سابق نیست و تفسیر نویسنده مقاله درباره این آیه و منحصر ساختن آن به روز قیامت، تفسیر صحیحی نیست و از نظر قواعد تفسیری مخدوش است.

نتیجه

۱. می‌توان دو مطلب را نقطه قوت مقاله برشمرد: نگاه نقادانه به رابطه «قرآن و علم» و برخورداری از نگاهی تاریخی و تحلیلی.

۲. به نظر می‌رسد طرح «دایرةالمعارف قرآن لایدن» در چارچوب برنامه‌های بسیار گسترده است و آن‌چه در این اثر شکل گرفته، تنها گام اول آن است. بنابراین، یکی از ضروری‌ترین بایسته‌های پژوهش در مطالعات قرآنی در جهان امروز، بررسی و نقد مقالات و مدخل‌های این دایرةالمعارف است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. لازم است مسلمانان به‌طور جدی به این موضوع بپردازند و دقت موضوع را در نظر داشته باشند.

پی‌نوشت

1. science and Quran

1. science- Science rational- Science empirhcal
Science- mathemat

آیه «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجِينَ
لَكُمْ تَذَكَّرُونَ»، به صراحت بر نظریه علمی زوجیت اشیا دلالت دارد